

جهان‌شمه

گاه‌شمار

دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

شمار

شمارهٔ ۴۰۶۴

وبسایت

WWW.FDN.IR

آرم

FARHIKHTEGANDAILY



غرب از همکاری با چین در عرصه زیست‌محیطی گریزی ندارد

مشکلات ریسک‌زدایی



سجاد عطاراده

منرجم

طی دوران ریاست جمهوری ترامپ، او به دنبال آن بود که پیوند های اقتصادی با چین را به شدت و در تمامی حوزه‌ها کاهش دهد، به همین دلیل راهبرد «زوج‌زدایی» (Decoupling) را مطرح کرد اما گذشت زمان نشان داد با توجه به حجم وابستگی متقابل بین اقتصادهای واشنگتن و پکن و قدرت اقتصادی چین، عملاً امکان چنین کاری وجود ندارد. در نتیجه شاهد طرح راهبرد «ریسک‌زدایی» از سوی سران غربی بودیم که طی آن قرار است وابستگی متقابل با چین، تنها در حوزه‌های «حساسی» که برای امنیت ملی غرب حائز اهمیت به شمار می‌روند، کاهش یابند. مقاله حاضر با عنوان «مشکلات ریسک‌زدایی؛ انتقال به انرژی پاک مستلزم تجارت با چین است» نوشته هنری ساندرسون، متخصص برجسته مسائل معدنی است که در وب‌سایت نشریه فارن افرز منتشر شده است. نویسنده ریسک‌زدایی را هم حداقل در حوزه انرژی های پاک ممکن نمی‌داند و معتقد است قدرت چین در عرصه فناوری های مربوط به این انرژی‌ها آتقدر در سالیان اخیر بالا رفته که غرب بدون همکاری با این کشور نمی‌تواند به اهداف زیست‌محیطی خود جامه عمل بپوشاند. در دوران همه‌گیری کرونا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، خواستار «زوج‌زدایی» کامل از چین شد. درخواست های مشابهی هم از سوی اروپا و ژاپن وجود داشت؛ جایی که تمایل فزاینده‌ای برای تقویت مجدد زنجیره‌های تأمین با هدف پایان دادن به اتکا به چین در حوزه امکانات پزشکی مانند ماسک و تجهیزات محافظ شخصی وجود داشت. اما اکنون رهبران غربی دیگر با این ادبیات صحبت نمی‌کنند. در مقطع فعلی آنها روی این نکته توافق کرده‌اند که باید زنجیره‌های تأمین جهانی مرتبط با چین را ریسک‌زدایی تولید انرژی پاک مطلوب است، اما این راهبرد باید از ریسک‌زدایی و آمادگی برای همکاری با پکن در زمینه‌های متعددی مانند تغییرات آب و هوایی و در عین حال حمایت دولتی از صنایع ضروری داخلی است. شکی نیست که یکی از این صنایع حیاتی، فناوری های مربوط به انرژی های پاک است، حوزه‌ای که چین بر آن تسلط دارد.

اما مساله اینجاست که دشواری ریسک‌زدایی موفق با چین در زمینه انرژی پاک به‌طور کامل توسط رهبران غربی درک نشده و به درستی نیز به اطلاع عموم مردم رسانده نشده است. البته شاهد ارائه یارانه و انجام حمایت های مالی از شرکت های فعال در این حوزه برای تحریک تولید داخلی بوده‌ام. ولی اگرچه هدف تسریع تولید انرژی پاک مطلوب است، اما این راهبرد پایدار نیست. غرب به رویکرد منتفع‌نیز تیز دارد و راهبرد حاکم بر این حوزه نمی‌تواند تنها متکی بر یارانه باشد. اگر دولت های غربی یک جنگ همه جانبه یارانه‌ای را علیه یکدیگر آغاز کنند، نتیجه تنهاسوق دادن سرمایه‌گذاری به سوی دولتی با بیشترین مبلغ ارائه شده خواهد بود. در عین حال یارانه‌ها نیز به هدف خود نخواهند رسید. تلاش برای رقابت با چین بر سر هزینه در تمامی بخش‌ها احتمالاً موجب هدررفت پول مالیات‌دهندگان، تاخیر در انتقال به انرژی پاک و آسیب بیشتر ناشی از تغییرات اقلیمی خواهد شد و سود ژئوپلیتیکی چندانی هم نخواهد داشت. در عوض دولت‌های غربی باید به دقت درباره چگونگی رقابت طولانی مدت با پکن تامل کنند.

برای نیل به این هدف، غرب باید روشن کند از کدام بخش‌ها حتی به قیمت متضرر شدن مالی، حمایت قاطع انجام خواهد داد تا به این ترتیب، وابستگی خود را به چین کاهش دهد، مثلاً یکی از این حوزه‌ها «عناصر نادر خاکی» هستند که کاربردهای نظامی دارند. اما در سایر بخش‌ها، برای تعیین نحوه رقابت با چین در حوزه هزینه، باید فکر دقیقی کرد. پاسخ نمی‌تواند صرفاً یارانه دادن، برای جبران مابه‌التفاوت هزینه، آن هم استفاده از پول مالیات‌دهندگان یا ممنوعیت واردات از چین باشد؛ زیرا اقدامات مذکور فقط هزینه مرتب با انرژی پاک را افزایش می‌دهد. مثلاً تعرفه‌های اعمال شده بر واردات پتل‌های خورشیدی چینی یا محدود کردن رقابت بر سر قیمت، به حمایت از تأمین‌کنندگان داخلی کمک کرده است، اما از سوی دیگر سبب بالا رفتن قیمت این تجهیزات در ایالات متحده نیز شده است. برای رقابت با چین، به نوآوری‌های کم‌هزینه، مقیاس‌پذیر و پایدار در حوزه استخراج، فرآوری و ساخت مورد نیاز است؛ به علاوه این نوآوری‌ها باید از سوی مشتریان و نه صرفاً با پرداخت یارانه، حمایت شوند.

وقتی صحبت از صنایع انرژی پاک می‌شود، غرب از چین بسیار عقب‌تر است. چین نه تنها در تولید و تجهیز فناوری های انرژی پاک، بلکه در نوآوری در این حوزه نیز پیش‌ساز است. اگر این وضعیت ادامه یابد، جهان نه تنها برای فناوری های کنونی، بلکه برای فناوری های آینده نیز به چین متکی خواهد بود و غرب یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های اقتصادی قرن حاضر را از دست خواهد داد. غرب در ریسک‌زدایی از زنجیره‌های تأمین خود با چین محق است؛ اما جنگ یارانه‌ای بین کشورها و رقابت مستقیم با چین در همه زمینه‌ها- مخصوصاً از لحاظ هزینه- رقابتی نیست که غرب بتواند برنده آن باشد. غرب در عوض باید روی حوزه‌های اولویت‌داری تمرکز کند که در آنها پیش از حد به چین متکی است یا شاید بر بخش‌هایی که می‌تواند در آنها به‌طور واقع‌بینانه‌ای دست به رقابت بزند. در نهایت، غرب باید مشتریان و بازار را به سمت حمایت از زنجیره‌های تأمین غربی سوق دهد؛ نه اینکه صرفاً بر یارانه‌های دولتی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی تکیه کند.

زمانی که غرب فرصت‌های خود را از دست داد

وضعیت فعلی از پیش‌محتوم و قطعی نبود. تمامی فناوری های کلیدی مورد استفاده در حوزه انرژی پاک در غرب تولید شده‌اند، سلول‌های خورشیدی سیلیکونی در آزمایشگاه بل در ایالات متحده در سال ۱۹۵۲ تولید شدند، باتری لیتیوم یونی در اکسون موبیل و دانشگاه آکسفورد در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توسعه یافت، صنعت توربین بادی در دانمارک به رشد و شکوفایی رسید و جنرال موتورز در دهه ۱۹۸۰ به اختراع آهنربای دائمی عناصر نادر خاکی که در موتورهای الکتریکی استفاده می‌شوند کمک کرد. اما حقیقت این است کشورهای غربی هرگز در این اختراعات سرمایه‌گذاری نکردند و پیش‌ساز ی اولیه خود را از دست دادند.

این اتفاق ناشی از عدم علاقه عمومی به این فناوری‌ها نبود. در واقع با افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰، حمایت قوی از انرژی پاک در میان دولت‌ها و مردم وجود داشت. اما این حمایت زمانی که قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ پایین آمد، ناپدید شد. شرکت‌های نفتی که سرمایه‌گذاران اصلی حوزه انرژی خورشیدی بودند از این بخش خارج شدند و شروع به انتشار اطلاعات نادرست درباره تغییرات آب و هوایی کردند. اکسون در اوایل دهه ۱۹۸۰ تلاش‌های خود در عرصه تولید باتری را متوقف کرد و تجارت آهن‌ربای دائمی عناصر نادر خاکی جنرال موتورز نیز در سال ۱۹۹۵ به چین فروخته شد. تولید این آهن‌رباها در ایالات متحده هم به زودی متوقف شد.

غرب نه تنها پیش‌ساز ی خود در حوزه فناوری های مربوط به انرژی های پاک را از دست داد، بلکه به چین -که در آن زمان یک کشور درحال توسعه فقیر بود- کمک کرد در این بخش شروع به کار کند. در دهه ۱۹۸۰، دولت دانمارک از ساخت توربین های بادی در سین کیانگ حمایت مالی کرد. در اوایل دهه ۲۰۰۰ شرکت های آلمانی به نیروگاه‌های خورشیدی چینی رفتند تا نحوه تولید سلول‌ها و ماژول‌های خورشیدی را به آنها آموزش دهند. چین با بهره‌گیری از دانش غربی، شروع به نوآوری نیز کرد، آن هم درست در زمانی که غرب اشتیاق خود را برای اقدامات اقلیمی از دست داده بود. «قانون بهبود» سال ۲۰۰۹ دولت اوپاما اقداماتی که دولت اوپاما به دنبال بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ آمریکا به تصویب رسانید و بر طبق آن نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلار به مجموعه‌های اقتصادی بزرگ آمریکا تزریق شد. [بیش از ۹۰ میلیارد دلار برای ابتکارهای فعال در حوزه انرژی پاک در نظر گرفته بود. اماکنگره تلاش‌های دولت برای تصویب قوانین آب و هوایی را تا کام گذاشت و بسیاری از استاندارپ‌های آن دوران ورشکست شد و نهایتاً از سوی شرکت‌های چینی خریداری شدند.

به این ترتیب فرصت ایالات متحده از دست رفت.

در مقابل، پکن فعالانه بازار داخلی خود را تحریک کرد. دولت به خودروهای برقی و تاسیسات خورشیدی خانگی یارانه‌های زیادی پرداخت کرد. نتیجه حاصله جایگاه فعلی چین به عنوان پیشرو در تولید تجهیز هر دو فناوری است. اما این شاهدها صرفاً نتیجه یارانه به شمار نمی‌رود. در بسیاری از موارد، چینی‌ها محصولات بهتری نسبت به شرکت‌های غربی تولید می‌کنند. برخی از شرکت‌های چینی نیز در حوزه‌های مختص به خود پیشگام بوده‌اند، مثلاً شرکت تولیدی بی‌وی‌دی «بی‌وی‌دی» اولین خودروی برقی هیبریدی پلاگین خود را در سال ۲۰۰۸ روانه بازار کرد، آن هم در زمانی که اکثر خودروسازان جهانی معتقد بودند وسایل نقلیه الکتریکی یک فانتزی پرهزینه به‌شمار می‌روند. تعرفه‌ها و محدودیت‌های وارداتی اخیر غرب نیز تأثیر چندانی بر تسلط پکن در تولید انرژی پاک نداشته است. چین در حال حاضر بسیار جلوتر از سایر کشورهاست و مزیت آن در «مواد معدنی حیاتی» و انرژی خورشیدی آتقدر زیاد است که زوج‌زدایی معنی‌دار در این دهه ممکن نمی‌باشد. چین تقریباً ۷۰ درصد گرافیت مورد استفاده جهان برای ساخت باتری‌ها را تولید می‌کند، بیش از ۹۰ درصد منگنز مورد استفاده در باتری‌ها را پردازش می‌کند، بیشتر پلی‌سیلیکون موجود در سلول‌های خورشیدی را تولید می‌کند و تقریباً ۹۰ درصد آهن‌رباهای عناصر نادر خاکی در جهان را می‌سازد. ماده اصلی مورد استفاده در باتری خودروهای الکتریکی از نظر حجمی گرافیت است و بیش از ۹۰ درصد گرافیت مورد استفاده در این باتری‌ها ساخت چین است. چین معتقد است تسلط این کشور به تولید مواد مذکور این امکان را در اختیار آن می‌گذارد. در رقابت با غربی‌ها پیروز شود. رهبر این کشور شی جین‌پینگ، برای استفاده از این وضعیت اقدام کرده‌است. در سال جاری او محدودیت‌های صادراتی شدیدی را برای برخی مواد معدنی مورد نیاز برای صنایع انرژی پاک برز جمله گالیوم، ژرمانیوم و گرافیت اعلام کرد. پکن همچنین علی‌رغم کاهش قیمت‌ها، سهمیه تولید عناصر نادر خاکی را افزایش داده است. این کشور همچنین ظرفیت و سرمایه‌گذاری قابل توجهی در زنجیره‌های تأمین انرژی پاک ایجاد کرده است، به اندازه‌ای که می‌تواند برای یک دهه باتری‌ها و پتل‌های خورشیدی مورد نیاز کل جهان را فراهم کند. این ظرفیت مازاد فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد کرده و در نتیجه رقابت برای شرکت‌های غربی را سخت‌تر می‌کند. به علاوه، فشار بر شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در خارج از مرزها و جست‌وجوی بازارهای جدید افزایش می‌یابد و آنها تشویق می‌شوند تا در سیاست‌های غربی که برای دور نگه داشتن آنها طراحی شده‌اند، خلعی بیابند.

پول کمتر، موفقیت بیشتر

در اقتصاد انرژی‌های پاک بین آنچه برای کوه‌زین مفید است و آنچه برای

تجارت خوب است، تنش‌ی دائمی وجود دارد. قیمت پایین‌تر باتری‌ها، پتل‌های ماژول خورشیدی و توربین‌های بادی به کاهش هزینه‌های انرژی پاک کمک می‌کند؛ اما در عین حال حاشیه سود تولیدکنندگان را نیز کاهش داده و موفقیت بسیاری از شرکت‌ها غربی را غیرممکن می‌کند. صنعت انرژی خورشیدی اروپا بر اثر سبیل ماژول‌های خورشیدی تولید شده در چین غرق شده است. گروه لابی اصلی این صنعت اخیراً از کمیسیون اروپا درخواست کمک کرد و اظهار داشت که «وضعیت بسیار متزلزلی برای تولیدکنندگان اروپایی فعال در صنعت انرژی خورشیدی وجود دارد.» دولت اوپاما در دهه ۲۰۱۰ با وضعیت مشابهی روبه‌رو شد. زمانی که پتل‌های خورشیدی چینی بازارهای جهانی را مغروق خود ساختند. همان‌طور که استیون چو، وزیر انرژی سابق ایالات متحده گفته است، اگر عرضه مورد نیاز بازار نباشد، حتی یک کارخانه یارانه‌ای نیز سودآور نخواهد بود.

جبران زمان از دست رفته

در نبرد بر سر فناوری های انرژی پاک، غرب از چند مزیت برخوردار است. کشورهایی مانند کانادا، نروژ و سوئد برای تولید برق از نیروگاه‌های آبی استفاده می‌کنند که می‌تواند هزینه و همچنین میزان کربن مورد استفاده برای تولید فناوری های مربوط به انرژی های پاک یا فرآوری مواد معدنی حیاتی را کاهش دهد. اگرچه شرکت‌های چینی به‌طور فزاینده‌ای در حال نقل مکان به استان‌های دارای منابع انرژی آبی هستند، اما سال‌ها طول می‌کشد تا صنعت بزرگ و فعلی آنها دچار تحول شود. شرکت‌های غربی همچنین این مزیت را دارند که هنگام برنامه‌ریزی برای ساخت کارخانه‌ای جدید، نیازی به کپی فناوری مورد استفاده توسط چین که می‌تواند به محیط‌زیست آسیب برساند، ندارند. تولید باتری و فرآوری مواد مورد استفاده در تولید باتری در چین اغلب انرژی بر است و در فرآوری مواد معدنی حیاتی مانند گرافیت نیز از مواد شیمیایی مضر برای محیط‌زیست، از جمله اسید هیدروفلوئوریک استفاده می‌شود. اما در غرب می‌توان مواد معدنی را بدون استفاده از اسید پردازش کرده و باتری‌ها را نیز بدون فرآیندهای انرژی بر خاص تولید کرد. این امر تولیدات غربی را از نظر زیست محیطی پایدارتر و به‌طور بالقوه مقرون به صرفه‌تر می‌کند. اگر غرب بتواند استفاده از فناوری‌هایی را که در آنها نوآوری منجر به کاهش هزینه‌های تولید یک فناوری موجود می‌شود، افزایش دهد شرکت‌های غربی مزیت قوی کسب خواهند کرد و هزینه‌های زیست‌محیطی تولید انرژی پاک نیز پایین خواهد آمد.

با این حال، نوآوری‌هایی که به اندازه کافی از نظر هزینه قابل رقابت نباشند، موفق نخواهند شد. مصرف‌کنندگان به صرف حمایت از یک تولیدکننده داخلی هزینه بیشتری را پرداخت نخواهند کرد و نباید هم از آنها چنین انتظاری داشت. اما دولت‌های غربی می‌توانند از سیاست‌های صنعتی استفاده کنند که در نتیجه آن بازارهای این کشورها قادر باشند مبلغی کمی بیشتر برای زنجیره تأمین پایدارتر پرداخت کنند. این امر همچنین به شرکت‌های انرژی پاک کمک می‌کند میزان سرمایه مورد نیاز خود را نیز پایین آورند. اتحادیه اروپا این رویکرد را با الزام باتری‌های وارداتی یا تولید شده در اروپا به پایبندی به اصول «پایداری» و «باز یافت» انجام داده است. بازار در مرحله بعد باید به سمت معرفی یک «بهای سبز» حرکت کند که به موجب آن خریداران برای یک محصول سبتر، مبلغی کمی بیشتر پرداخت می‌کنند. البته چین نیز می‌تواند همین کار را انجام دهد و همچنین پایدارتری زنجیره تأمین خود را بهبود بخشد، اما این کار زمان می‌برد و بسیاری از مشتریان چینی ممکن است تمایلی به پرداخت هزینه بیشتر برای محصولی با کربن کمتر نداشته باشند. در مقابل، شرکت‌های خودروسازی غربی در حال حاضر شروع به تبلیغ ویژگی‌های زیست‌محیطی وسایل نقلیه و استفاده خود از مواد معدنی تولید شده به صورت مستلانه کرده‌اند.

غرب با یک معما مواجه است؛ بدون چین نمی‌تواند کربن‌زدایی کند و برای دستیابی به اهداف اقلیمی خود نیاز به خرید کالا از کشوری دارد که رقیب کلیدی راهبردی آن به شمار می‌رود. در عین حال اگر پول مالیات‌دهندگان غربی بدون هیچ‌اورد‌های خرج شوند یا اگر این پول صرفاً سرا از خزانه شرکت‌های چینی درآورد، واکنش منفی رای «دهندگان را شاهد خواهیم بود. در حال حاضر نشانه‌های شومی حاکی از عدم تمایل تحمل هزینه مشوق‌های حرکت به سمت انرژی پاک از سوی مصرف‌کنندگان غربی وجود دارد؛ اوایل امسال دولت بریتانیا اهداف آب و هوایی خود را کاهش داد تا رای دهندگانی را که علاقه‌ای به تحمل هزینه‌های انتقال آب‌وهوایی ندارند، به خود جذب کند. در آلمان نیز مخالفانی وجود دارند و حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» از سیاست‌های سبز به عنوان «دیکتاتوری زیست‌محیطی» انتقاد کرده است. برای ایجاد صدها هزار شغل سبز جدید، دولت‌های غربی باید سرمایه‌گذاری‌های قابل قبولی در تولید انرژی‌های پاک انجام دهند که مورد حمایت بازار و مشتریان نیز باشند. این روش تنها راه برای ایجاد پشتوانه مردمی به منظور اقدامات اقلیمی است. شروع یک جنگ تجاری در حوزه انرژی‌های پاک که احتمالاً چین را به اقدامات تلافی‌جویانه تحریک می‌کند یا دادن وعده‌هایی بیش از حد در قالب سیاست‌های صنعتی، راه حل مناسبی به شمار نمی‌روند. غرب باید در هنگام طراحی راهبرد برای مقابله با چین، این موازنه را در نظر داشته باشد.

بریکس چگونه می‌خواهد سهم دلار در بازار جهانی را کاهش دهد

چالشی برای دستگاه

تحریمی آمریکا



فاطمه بریمانی خبرنگار گروه جهان‌شمه

حدود ۸۰ سال است که دلار ایالات متحده آمریکا بر تمام ارزها تسلط داشته و به عنوان تنها ارز معتبر به‌منظور سرمایه‌گذاری و حفظ ارزش مالی برای کشورها محسوب می‌شود. سوء استفاده آمریکا از دلار باعث شده تجارت با ارزهای ملی یا ارزهای غیردلاری در جهان رونق بگیرد. این روند قرار است از سوی گروهی از قدرت‌های اقتصادی نوظهور سرعت بگیرد تا در آینده نه‌چندان دور، از سلطه دلار بر بازارهای جهانی کاسته شود. گروه «بریکس» (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، اتیوپی، امارات متحده عربی، ایران، عربستان سعودی و مصر) در حال حاضر مصمم‌ترین و قدرتمندترین ساختار جهانی‌ای است که روند دلارزدایی را در دستور کار خود قرار داده است. این گروه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان و یک سوم تولید اقتصاد جهانی را در اختیار دارد. در سال ۲۰۲۰ اقتصادهای اعضای بریکس با استفاده از برابری قدرت خرید از گروه هفت (جی ۷) نیز پیشی گرفتند. با این حال نباید این‌را از نظر دور داشت که تولید ناخالص داخلی ایالات متحده هنوز نزدیک به ۲۵ درصد از اقتصاد جهانی بوده و همین موضوع نیز به کمک هژمونی دلار آمده است. بریکس با یک استراتژی مشخص در حال توسعه شاخ و برگ‌های خود در آینده نه‌چندان دور است. این گروه در حال حاضر دارای سه ستون اصلی است، ۱. اقتصادی- مالی، ۲. سیاسی- امنیتی و ۳. فرهنگی- مردمی. قدرتمندترین وجهه بریکس بخش «اقتصادی- مالی» آن است. در حوزه اقتصادی، دلارزدایی استراتژی‌ای بلندمدت در گروه بریکس خواهد بود. کشورهای عضو این گروه با توجه به اینکه از دلار به عنوان ارز ذخیره بهره می‌برند، برای جلوگیری از ضربات ناشی از سرعت گرفتن روند دلارزدایی و تبعات آن بر این کشورها، با شیبی آرام در این مسیر گام برمی‌دارند. آنها دلیل روشنی برای این امر دارند؛ چراکه امروزه آمریکا می‌تواند با سیاست‌های پولی داخلی یکطرفه خود، چنان تأثیری بر جهان برج‌ای بگذارد که به گفته «فرورام راجان»، رئیس بانک مرکزی هند، برای بسیاری از اقتصادهای کشورهای در حال توسعه «منبع خطر قابل توجهی» باشد. با وجود اینکه جنگ روسیه و اوکراین همه دنیا را متوجه اهمیت دلار و نقش آن در اقتصاد سایر کشورها کرده، چین از سال‌ها قبل از جنگ روسیه و اوکراین به دنبال جایگزینی برای سیستم مالی بین‌المللی تحت حمایت دلار بوده است و در گذشته هدف استراتژیک خود را برای افزایش قدرت پول خود (یوان) دنبال کرده است. به دنبال تسریع حرکت به سوی دنیای چند قطبی که توسط جنگ روسیه و اوکراین آغاز شد، چین اکنون برای رقیب دلار آمریکا بر یک ارز مشترک بریکس فشار می‌آورد. پیش‌تر تریلومبرگ گزارش داده بود در سال ۲۰۲۳ «لولا داسیلوا»، رئیس‌جمهور برزیل قبلاً با صدای بلند از بریکس خواسته تلاش‌ها را برای «افتن ارز جهانی جایگزین» دلار آمریکا به‌منظور استفاده در تجارت بین‌المللی افزایش دهد.

یکی از اهداف اصلی اتحاد تجاری بریکس، تمایل به جایگزینی دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی و پایان دادن به اتکا بیش از حد به دلار در سیستم مالی جهانی است. کشورهای بریکس استدلال می‌کنند استفاده جهانی از دلار به آمریکا قدرت اقتصادی، بازاری و سیاسی نابرابر می‌دهد. عدم قطعیت داخلی در ایالات متحده اغلب نوسانات دلار را به همراه دارد، که سپس به اقتصادهای سراسر جهان که دلار را در ذخایر خارجی خود نگه می‌دارند نیز سرایت می‌کند. دلارزدایی به دو دلیل به یک امر تبدیل شده است؛ اول، ایالات متحده برای تضعیف و شکست دشمنان خود به تحریم‌های مالی متوسل شده است. اقدامات آن شامل کنار گذاشتن سیستم پیام‌رسانی مالی سوئیفت و توقف آنهاست. دارایی‌های ارزی و سپس تحریم‌های ثانویه بر کشورهای که با اهداف تحریمی ایالات متحده تجارت می‌کنند، وجود دارد. دوم، سلاحی شدن بترتی دلار بیشتر کشورهای جهانی جنوب را در معرض خطر قرار داده است. برای ایالات متحده دیگر منبع اصلی تجارت و سرمایه‌گذاری نیست و پایبندی به منافع ژئوپلیتیک آمریکا به منافع اقتصادی آنها آسیب می‌رساند. برخی از استراتژیست‌های بریکس خواستار ارز ذخیره جهانی بریکس شده‌اند با اینکه باید از مشترک بریکس مشابه یورو، واحد پول رایج جهانی به‌روپا محقق می‌شود.

در پی اهمیت استقلال ارزی و مالی ای کشورها، بریکس دست به ایجاد بانک مستقلی تحت عنوان (NDB) یا بانک توسعه بریکس زده که در حال حاضر حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارد. این بانک که به شکلی آن را می‌توان در برابر بانک جهانی تعریف کرد، در سه سال اخیر به ۹۶ میلیارد دلار وام داده است. بانک توسعه بریکس با هدف کاهش استفاده از دلار، در پی آن است تا وام‌هایی که به‌منظور کمک اقتصادی به سایر کشورها اختصاص می‌دهد، براساس ارزی ملی آنها یا سایر ارزها همچون یورو باشد. فرخ از این اقدام، راه‌هایی که بریکس برای تضعیف دلار در جهان پیگیری می‌کند را می‌توان در قالب چند محور مورد بررسی قرار داد:

۱- مبادله با ارزهای ملی: روسیه و چین بخش قابل توجهی از مبادلات تجاری خود را با ارزهای ملی انجام می‌دهند. عربستان سعودی نیز اعلام کرده است قصد دارد بخشی از صادرات نفت خود را با ارزهای غیر دلار انجام دهد. برزیل نیز عنوان کرده مایل است در مبادلات اقتصادی با شرکای تجاری خود از ارزهای ملی استفاده کند و در حال ایجاد سازوکارهایی در این زمینه است.

۲- جایگزین سوئیفت با بریکس پی: به دلیل سهم ۸۰ درصدی دلار در تبادلات مالی در دنیا و همچنین دسترسی آمریکا به جزئیات اطلاعات تبادلات بانکی و مالی در جهان از طریق پیام‌رسان سوئیفت، واشنگتن قدرت زیادی برای اعمال تحریم موثر کشورهای مدنظر خود مانند ایران، روسیه و چین پیدا کرده است. بریکس با ایجاد سیستم «بریکس پی» قصد دارد این ابزار کنترلی را به چالش بکشد. چند ماه پیش محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس گفته بود ایران از ازل تا نوبه به‌هضویت بریکس پی در خواهد آمد. آن‌گونه که او گفته بود، ۴۰ درصد از کل حجم معاملات ایران با کشورهایمانند چین، روسیه، هند و آفریقای جنوبی است که با استفاده از ظرفیت بریکس پی می‌توان استفاده کرد.

۳- «ارزهای دیجیتال»: این گروه از کشورها به دنبال آن هستند تا با پیشرفت تکنولوژی همراه شده و برای ساختار خود یک ارز دیجیتال در نظر بگیرند تا از طریق آن قدرت اقتصادی ایجاد کرده و توان جدیدی برای مبادله و تجارت در بازارهای جهانی به‌وجود آورند.

۴- اتصال شبکه‌های بانکی کشورها به یکدیگر

۵- پول مشترک: احتمالاً آخرین گام برای تضعیف دلار در بریکس که احتمالاً زمان برترین و بلندمدت‌ترین هدف این کشورها خواهد بود، ایجاد پول مشترک است. این اقدام چندان ساده نبوده و تا چند سال آینده این امر امکان تحقق نخواهد داشت.